

گزارش صبا درباره جایگاه مجسمه مشاهیر در فضاهای شهری

مشاهیر؛ آینه داران هویت ملی



آزاده صالحی
گفت و گو

مفاخر علمی فرهنگی در همه جوامع از اهمیت بالایی برخوردارند، مهمترین جنبه‌ای که آنها را از سایر افراد جامعه متمایز می‌سازد، جاری بودن نام و یادشان پس از مرگ است. در سالهای اخیر این امر در سایه پر تو هنر مجسمه‌سازی، به یمن ساخت تندیس‌ها و سردیس‌های نام آوران عرصه‌های مختلف، بیش از گذشته، توجه‌ها را نسبت به این حیطة بیشتر کرده است. اما سوالی که در این میان مطرح می‌شود این است که فارغ از زیبایی‌های بصری و تصویری که به مدد نصب این آثار در فضای شهری و میادین به دست می‌آید، جانمایی مجسمه مشاهیر چه دستاوردهایی در جامعه خواهد داشت. این سؤال دستمایه نگارش گزارشی در این باره در گفت‌وگو با برخی از هنرمندان در حوزه مجسمه‌سازی شده است.

محمدحسین ماموریان:

مجسمه‌های مشاهیر به دوام هویت ملی مان کمک می‌کنند

محمدحسین ماموریان در پاسخ به سئوالی مبنی بر این که ساخت مجسمه مشاهیر طی سال‌های اخیر چقدر توانسته در برقراری پیوند میان جامعه و مجسمه تاثیر گذار باشد گفت: برای پاسخ به این سؤال جا دارد به تاریخچه ساخت مجسمه مشاهیر اشاره کنم. در ابتدا،



آثار هنری که در دوران بدوی در این زمینه ساخته می‌شدند، صرفاً محملی برای بیان احساسات و تجربیات هنرمند بودند که بر دیواره غارها شکل می‌گرفتند. می‌توان گفت، در آن دوره از تاریخ، هنر چیزی نبود جز این که تجربیات و احساسات انسانها را با هم به اشتراک بگذارد. شاید بتوان قدیمی‌ترین مجسمه‌هایی که از مشاهیر ساخته شده‌اند را در هنر بین‌النهرین یا عراق کنونی یافت. به طوری که در آنجا برای اولین بار سردیس پادشاهان ساخته شده است. مجسمه‌هایی که از این دوره به جا باقی مانده قدیمی‌ترین آثار هنری هستند که موضوعشان انسان نه به طور کلی؛ بلکه صرفاً شباهت سازی چهره و جسم اوست و مجسمه‌ساز با این هدف به تولید مجسمه پرداخته است. اگر یک قدم جلوتر بیایم، در هنر مصر هم ردپای ساخت مجسمه مشاهیر به چشم می‌خورد. مشاهیر در آن زمان شامل پادشاهان مصر، ادبا و نجبا بودند. بعد از آن که اجساد این شخصیت‌ها مومیایی می‌شده، مجسمه آنها را هم می‌ساختند تا بنا به باورهای خودشان، روح آن شخصیت در مجسمه ادامه حیات بدهد. یکی از دوران دیگری که ما در آن، پیشینه ساخت مجسمه مشاهیر را داریم دوران باشکوه رم باستان است. در این دوره، سناتورها از مجسمه‌سازان می‌خواستند تا تندیس آنها را به نگاه ایده‌آلیستی و کمال‌گرایانه که با وجود تمام ضعف‌ها و چین و چروک‌هایی که بر صورت داشتند بسازند. شاید به همین خاطر است که این مجسمه‌ها، اولین پوسته‌های تبلیغاتی جهان نام گرفتند. سناتورها بر اساس ساخت مجسمه‌های خودشان از مردم رای جمع می‌کردند و هنرمندان هم در آن زمان بنا به اصرار سناتورها، چین و شکن و خطوط صورت آن فرد را که بر اثر سن و تجربه ایجاد شده بود را در کمال بیرحمی در مجسمه‌ای که می‌ساختند به نمایش می‌گذاشتند. بعد از ظهور مسیحیت در اروپا، دیگر به آن شکل، نیازی احساس نمی‌شد تا مجسمه مشاهیر حتماً شباهت کاملی به آن شخصیت داشته باشد. هنرمندان در آن زمان در بند شباهت سازی و طبیعت پر دازی نبودند، در نتیجه هنر شمایل سازی شکل گرفت.

این هنرمند تصریح کرد: در ایران هم ما نقش برجسته پادشاهان را در تخت جمشید داریم که ذیل شمایل نگاری ساخته شده‌اند، یعنی مجسمه‌ها شباهت ظاهری به فرد موضوع ندارند. از این رو، وقتی به نقش برجسته خشایار شاه و نقش برجسته داریوش نگاه می‌کنیم عملاً تفاوتی بین این دو چهره به لحاظ آناتومی مشاهده نمی‌کنیم. گویی در آن دوره، ساخت مجسمه این شخصیت‌ها صرفاً یک قرارداد تصویری بوده و بر این اساس، چهره پادشاهان به این شکل ساخته می‌شده است. اما از قرن پانزدهم به بعد، طبقه اشراف در جوامع دیگر به سفارش ساخت مجسمه‌هایی از خودشان پرداختند که اصرار داشتند این مجسمه‌ها عیناً شبیه خودشان باشند و هنرمندان هم سعی کردند مولفه شباهت‌سازی را در ساخت این آثار رعایت کنند. به عنوان مثال، برنینی یکی از پرتره‌سازان دوران بعد از رنسانس است که مجسمه‌های مرمری او از پاپ‌های کاردینال، آنچنان به خود این شخصیت‌ها شباهت دارد که وقتی امروز به این آثار نگاه می‌کنیم، انگار نبض این آدم‌ها زیر سنگ مجسمه در حال تپیدن است.

این هنرمند مجسمه‌ساز ادامه داد: ما جهش دیگری در مجسمه‌سازی مشاهیر هم داریم و آن زمانی است که کشورها

خودآگاه و ناخودآگاهی در همبستگی بین افراد جامعه خواهد داشت و به دوام هویت ملی ما کمک می‌کند.

او در پاسخ به سوال دیگری درباره این که این حیطة از چه ظرفیتی برخوردار است تا به جای ساخت مجسمه تکراری مفاخری که پیش‌تر توسط هنرمندان دوره‌های گذشته ارائه شده، به ساخت دیگر شخصیت‌هایی که نزد مردم کمتر شناخته شده‌اند پرداخته شود گفت: خوشبختانه در کشور ما این قدر مردان و زنان بزرگ در ساخت این فرهنگ و سرزمین تلاش کرده‌اند که سوزنه برای ساخت تندیس مفاخر و مشاهیر کم نخواهیم آورد. ضمن این که تک‌تک قهرمانان تاریخی، فرهنگی ما شایستگی این را دارند تا مجسمه‌شان ساخته شود. شخصیت‌هایی مثل خواجه نظام‌الملک، خواجه نصیرالدین طوسی و... یک واژه است ولی وقتی تبدیل به پیکره می‌شوند به طور قطع، کنجکاو و توجه بیشتری را جلب می‌کنند. اتفاقاً رابطه مستقیمی بین عمق تاریخی کشورها با مجسمه‌های مشاهیر وجود دارد. حتی وقتی از شهری به شهر دیگر می‌رویم، مجسمه مفاخر آن شهر علاوه بر این که سند هویتی آن نقطه جغرافیایی هستند، نشانگر غنای فرهنگی آن شهر نیز به شمار می‌روند.

ماموریان در پاسخ به این سؤال که در حال حاضر ساخت مجسمه کدام یک از مفاخر کشور را به عهده دارید افزود: الان ساخت مجسمه سردار مریم بختیاری را در دست کار داریم. او از معدود زنان پیشرو و مبارز دوره مشروطه بوده است که در فتح تهران و نجات پایتخت از دست مستبدین نقش زیادی ایفا کرده است. همچنین، مجسمه «آرش» را در دست ساخت داریم که در ردیف مشاهیر اسطوره‌ای قرار دارد. اگر چه ممکن است به لحاظ تاریخی وجود خارجی نداشته باشند، ولی افسانه آرش کمانگیر سالیان سال است که سینه به سینه نقل شده و در قلب مردم نفوذ کرده است و هویت و تاریخ ما را می‌سازد.

این مدرس دانشگاه می‌گوید: تا پیش از این، شهرداری‌ها متولی ساخت مجسمه‌ها بودند و امروز خوشحالم که انجمن مفاخر به این

دریافتند ساخت مجسمه مشاهیر به مثابه هویت ملی به شمار می‌رود. زمانی که بحث هویت ملی پیش آمد، کشورها از جمله خود ما به سمت این مسئله رفتند که از دل تاریخ، مشاهیر خود را در بیاورند و به مدد رسانه‌ای چون مجسمه آنها را احیاء کنند. درست است که اقصای مختلف جامعه سلیق گوناگونی در برخورد با هنرهای مختلف دارند، اما همه آنها در یک نقطه با یکدیگر مشترکند و آن این که وقتی از یکی از میادین شهر عبور می‌کنند که مجسمه یک چهره مشهور در آنجا نصب شده است، ارتباط بصری یکسان از منظر شهری با آن اثر برقرار می‌کنند، در صورتی که این ویژگی در کتاب و فیلم نیست و افراد در مواجهه با این حیطة‌ها، دیدگاه‌های مختلفی دارند. از این جهت مجسمه‌های شهری را می‌توان رسانه‌های قوی قلمداد کرد که توجه عمومی را به خود جلب می‌کنند. هر چند معتقدم ما از این نظر در قیاس با کشورهای دیگر، تازه کار هستیم و عمر مجسمه‌های شهری ما زیر ۱۰۰ سال است.

ماموریان با اشاره به این که پدر و بنیان‌گذار مجسمه‌های مشاهیر استاد ابوالحسن خان صدیقی است اظهار داشت: او در زمان خود به همت و حمایت انجمن آثار ملی ایران که در زمینه ساخت آرامگاه‌های فاخر و در خور بزرگان ایران نقش داشت، ساخت مجسمه مشاهیر مختلفی از جمله فردوسی و ابن سینا را انجام داد. عملکرد صدیقی در ساخت مجسمه مفاخر تا اندازه‌ای تاثیر گذار بود که امروز مجسمه این مفاخر در واقع چهره رسمی آنها به شمار می‌رود. خاطر مهم است، طراحی‌های استاد صدیقی از این شخصیت‌ها در کتاب‌های درسی ما موجود بود و من به عنوان یک نوجوان وقتی به این تصاویر نگاه می‌کردم تاثیر زیادی می‌گرفتم که مجسمه‌سازی مانند ایشان با این قدرت و زیبایی، افتخارات ملی را از کلمات به شکل مجسمه ترجمه می‌کند و ما می‌توانیم به چشم‌های سعدی و ابن سینا نگاه کرده و آنها را در ذهن خود تصویر کنیم. از این نظر لازم است که مجسمه‌ها با موضوع مشاهیر ساخته شوند، به خصوص همان‌طور که اشاره کردم، این حرکت تاثیر